

به نام خدا

اظهار نظر کارشناسی درباره: «لایحه شوراهای حل اختلاف» اعاده شده از شورای نگهبان

لایحه شوراهای حل اختلاف که طبق اصل هشتادوپنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۲/۱۷ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی در عنوان و تغییرات قابل توجهی در متن برای اجرای آزمایشی به مدت پنج سال تصویب گردید. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۳۰ به شرح نامه شماره ۱۷/۳۰/۲۷۲۷۲ در ۶ بند ایراداتی در مورد مصوبه مذکور مطرح نموده است. این ایرادات که به نحوی در گزارشات قبلی مرکز پژوهش‌ها به آن توجه داده شده بود به طرق زیر قابل رفع است:

۱. عدم درج تدین به اسلام در شرایط مندرج در ماده (۶) مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته است. پیشنهاد می‌شود در یکی از بندهای «ب» یا «ج» دیانت به اسلام اضافه شود. معذک از آنجا که نقش شورا در صلح و سازش، نه قضاوت تلقی می‌شود و نه داوری، بلکه به عنوان میانجی به برقراری صلح کمک می‌کند تشکیل شورای حل اختلاف از اقلیت‌های مذهبی جهت ایجاد سازش بین پیروان ادیان رسمی کشور به خصوص با توجه به اینکه سازشنامه به موجب ماده (۲۵) لایحه به تأیید قاضی شورا می‌رسد بلامانع است. پیشنهاد می‌شود این موضوع به عنوان جزئی از ماده (۶) لحاظ شود.

۲. شورای محترم نگهبان اطلاق ماده (۵) لایحه را با توجه به صلاحیت‌های شورا مغایر اصل ۱۵۷ قانون اساسی شناخته است. زیرا به موجب قسمت اخیر این ماده احکام انتصاب اعضای شورا پس از احراز شرایط توسط رئیس کل دادگستری استان صادر می‌شود. برای رفع ایراد پیشنهاد می‌شود به صدور کلیه احکام توسط رئیس قوه قضائیه در ماده (۵) تصریح شود.

۳. ایراد سوم شورای نگهبان که مهم‌ترین ایراد شورا است ناظر به اختیارات قضایی شورای حل اختلاف در ماده (۹) است. از آنجا که جز در مورد بند «ب» و «ج»، سایر امور واجد وصف قضایی است و جواز واگذاری رسیدگی به برخی جرائم بازدارنده و امور حقوقی به غیر قاضی همیشه به میزان و نوع مجازات بستگی ندارد، بلکه به نوع قواعدی که از آن تخلف شده است منوط است، پیشنهاد می‌شود در مورد بندهای «الف» و «د» اختیار صدور رأی به قاضی شورا محول شود. مخفی نماند که در این خصوص عملاً دادگاهی جهت رسیدگی به جرائم ساده پیش‌بینی شده است لکن مقنن از نام شورای حل اختلاف استفاده کرده است.

۴. در مورد ایراد وارده به ماده (۱۴)، قید «دستور قاضی شورا در مورد تصرف در اموال ضروری است» سبب رفع ایراد خواهد شد.
۵. در مورد حکم حضوری و غیابی صریحاً به مواردی که قبلاً ضمن تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب به تأیید شورای نگهبان رسیده است ارجاع داده شود تا ایراد پنجم شورای نگهبان رفع شود.
۶. در مورد ایراد شورای نگهبان به قطعی اعلام شدن آرا در ماده (۳۱) بهتر است به ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اشاره کرد. در این ماده مخالفت بین با شرع از جهات اعاده دادرسی تلقی شده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود به آخر ماده (۳۱) اضافه شود: «مخالفت بین رأی با شرع از موارد اعمال ماده (۱۸) اصلاحی قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب خواهد بود».
- در مورد اعتراض به آرای شورا در ماده (۹) نیز، بر فرض باقی ماندن برخی صلاحیت‌های قضایی، هرچند قید «و در سایر موارد» مذکور در ماده (۳۱) مفهم تجدیدنظرپذیری یا قابلیت اعتراض آرای شورا نیز می‌شود لکن برای رفع ابهام می‌توان به صراحت اعلام کرد که «رأی شورا در موارد مذکور در ماده (۹) و... قابل اعتراض در دادگاه عمومی محل است».